



سهم ۳۷ درصدی صنعت از مصرف برق کشور

یکشنبه ۲ آبان ۱۴۰۵
۱۴ جمادی الاولی ۱۴۴۸
۲۵ اکتبر ۲۰۲۶
۴ صفحه
شماره ۱۴۹

تازه های اقتصاد

یادداشت

معمای واردات خودرو ارز شخصی یا هزینه ملی؟

آرش کیانی

کارشناس اقتصادی

بحث واردات خودرو همواره میان دو مطالبه در نوسان بوده است: از یک سو، افزایش عرضه، تقویت رقابت و کاهش انحصار؛ و از سوی دیگر، ضرورت مدیریت منابع ارزی کشور. در این میان، مدافعان واردات با ارز اشخاص معمولاً دو استدلال مطرح می‌کنند: واردکننده از منابع بانک مرکزی استفاده نمی‌کند و دولت نیز از محل حقوق ورودی و مالیات درآمد به دست می‌آورد. اما آیا این دو گزاره برای اثبات بی‌هزینه بودن واردات خودرو کافی است؟ مسئله اصلی این است که ارز شخصی، لزوماً به معنای هزینه شخصی نیست؛ زیرا استفاده از منابع ارزی، حتی اگر مستقیماً در اختیار بانک مرکزی نباشند، می‌تواند هزینه فرصت اقتصادی داشته باشد و بر بازار ارز اثر بگذارد. البته هزینه فرصت منابع ارزی را نباید با خروج مستقیم ارز از ذخایر بانک مرکزی یکسان دانست؛ میزان اثرگذاری واردات به منشأ ارز و نحوه استفاده از آن در صورت انجام نشدن واردات بستگی دارد.

برای ارزیابی آثار واردات خودرو، پیش از هر چیز باید منشأ ارز مشخص شود. اگر واردکننده از درآمدهای صادراتی خود استفاده کند، این منابع به جای مصارف جایگزین، صرف واردات خودرو شده‌اند. در چنین شرایطی، پرسش این است که آیا تخصیص منابع به واردات خودرو، در مقایسه با سایر نیازهای اقتصادی کشور، توجیه‌پذیر است؟ البته صرف تخصیص ارز صادراتی به واردات خودرو، به‌خودی‌خود به معنای تخصیص ناکارآمد منابع نیست؛ بلکه باید هزینه فرصت این انتخاب و منافع اقتصادی آن در مقایسه با گزینه‌های جایگزین سنجیده شود. اگر ارز از دارایی‌های نگهداری‌شده در خارج از کشور تأمین شود نیز مسئله به پایان نمی‌رسد. باید مشخص شود درآمد ریالی حاصل از فروش خودرو چگونه تسویه می‌شود و آیا واردکننده برای بازگرداندن اصل سرمایه و سود خود به خارج، در ادامه به خرید ارز نیاز پیدا می‌کند یا خیر.

البته نمی‌توان نتیجه گرفت که تمام واردات با ارز اشخاص الزاماً تقاضای جدیدی در بازار ارز ایجاد می‌کند. میزان اثرگذاری به منشأ منابع، شیوه تسویه معاملات و نحوه انتقال وجوه بستگی دارد. برای مثال، اگر ارز در خارج از کشور تأمین و همان‌جا برای پرداخت بهای خودرو استفاده شود، ممکن است فشار مستقیمی بر عرضه ارز در بازار داخلی ایجاد نکند؛ هرچند همچنان هزینه فرصت استفاده از آن منابع باید بررسی شود. در مقابل، اگر تسویه معاملات به خرید ارز در داخل یا کاهش عرضه ارز قابل‌دسترس کشور منجر شود، آثار متفاوتی بر بازار خواهد داشت. همین تفاوت‌ها نشان می‌دهد که ادعای بی‌اثر بودن واردات بر بازار ارز، بدون بررسی مستند سازوکار معاملات قابل‌پذیرش نیست.

دخل دولت و هزینه ارزی

یکی دیگر از استدلال‌های مطرح‌شده در دفاع از واردات خودرو، درآمد دولت از محل حقوق ورودی، مالیات و سایر عوارض است. این درآمد می‌تواند برای بودجه عمومی اهمیت داشته باشد، اما به‌تنهایی چیزی درباره آثار ارزی واردات ثابت نمی‌کند. حقوق ورودی و مالیات، درآمد ریالی دولت هستند؛ در مقابل، تأمین ارز واردات و هزینه فرصت استفاده از منابع ارزی، به نحوه تخصیص منابع و وضعیت بازار ارز مربوط می‌شوند. این دو موضوع به هم مرتبط‌اند، اما نمی‌توان یکی را جایگزین دیگری کرد. از منظر رفاه اقتصادی نیز درآمد گمرکی دولت لزوماً به معنای خلق ثروت جدید برای کل اقتصاد نیست؛ زیرا بخشی از آن انتقال منابع از واردکننده یا مصرف‌کننده به دولت است.

در عین حال، درآمد دولت می‌تواند به تأمین هزینه‌های عمومی کمک کند و باید در ارزیابی کلی سیاست مورد توجه قرار گیرد. حتی ممکن است دولت از محل واردات درآمد بیشتری کسب کند، اما هم‌زمان هزینه‌های واردات به قیمت نهایی خودرو منتقل شود و مصرف‌کننده بهای بیشتری بپردازد. بنابراین، افزایش درآمد گمرکی لزوماً به معنای افزایش رفاه عمومی نیست؛ همان‌طور که وجود هزینه ارزی نیز به‌تنهایی برای رد همه منافع واردات کفایت نمی‌کند. آثار واردات بر رقابت، قیمت‌گذاری و قدرت انتخاب مصرف‌کننده نیز باید در کنار درآمد دولت بررسی شود.

تعرفه‌های بالاتر؛ راه‌حل یا هزینه؟

در شرایطی که تغییر تعرفه‌ها و افزایش نرخ ارز محاسباتی گمرک مطرح شده است، پرسش مهم این است که این تصمیمات با چه هدفی اتخاذ می‌شوند و چه پیامدی برای بازار خودرو دارند؟ **ادامه در صفحه ۴**

دانش جعفری: نخستین اصل، حفظ ثبات پولی و مالی است

پول‌پاشی در جنگ؛ ممنوع



عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر ضرورت طراحی سازوکارهای ویژه برای مدیریت نظام پولی و بانکی در شرایط جنگ، معتقد است حمایت از بانک‌های آسیب‌دیده باید هدفمند و مشروط باشد و در عین حال، انضباط پولی، کنترل تورم و جلوگیری از تأمین مالی نامحدود کسری بودجه در اولویت قرار گیرد.

جنگ و بحران‌های فراگیر علاوه بر آثار مستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی، می‌توانند نظام بانکی، بازار ارز، جریان نقدینگی و اعتماد عمومی را نیز تحت تأثیر قرار دهند. در چنین شرایطی، بانک مرکزی با مجموعه‌ای از تقاضاهای هم‌زمان مواجه است؛ دولت برای تأمین هزینه‌های ضروری به منابع مالی نیاز دارد، بعضی از بانک‌ها ممکن است با فشار نقدینگی و خروج سپرده روبه‌رو شوند و بنگاه‌های اقتصادی نیز برای حفظ تولید و تأمین سرمایه در گردش به حمایت مالی نیاز پیدا کنند.

مدیریت این شرایط مستلزم آن است که سیاست‌گذار پولی میان مشکلات موقت ناشی از بحران و ضعف‌های ساختاری از پیش موجود تمایز قائل شود. همچنین، حمایت اضطراری در شرایط بحران از شبکه بانکی نباید به افزایش نامحدود پایه پولی، تشدید تورم یا تضعیف ذخایر ارزی منجر شود.

داود دانش‌جعفری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، در چارچوب الگوی پیشنهادی خود برای حکمرانی بانک مرکزی در شرایط جنگ و بحران، بر ضرورت طراحی سازوکارهایی برای مدیریت نقدینگی، حفظ ثبات ارزی، استمرار نظام پرداخت و جلوگیری از انحراف تسهیلات برای مقاصد سفته‌بازی تأکید دارد.

بازنده قمار با ترامپ غایب روزهای بحران



نشریه اکونومیست در تحلیلی از وضعیت عربستان سعودی و سال سخت محمد بن سلمان، ولیعهد بلندپرواز این کشور روایت می‌کند و می‌نویسد: ریاض قرار بود در روزهای پایانی اکتبر، میزبان یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌های اقتصادی جهان باشد؛ فرصتی برای محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، تا تصویری از ثبات، قدرت و جاه‌طلبی اقتصادی کشورش به نمایش بگذارد. این اجلاس که به «داووس در صحر» شهرت دارد، قرار بود از ۲۶ اکتبر آغاز شود، اما تشدید بحران امنیتی، این ویرترین اقتصادی را به حاشیه راند.

توهم سلطه انرژی آمریکا چگونه فرو ریخت؟



دونالد ترامپ با این تصور که وفور نفت و گاز آمریکا می‌تواند هزینه‌های اقتصادی جنگ با ایران را مهار کند، وارد یکی از پرهزینه‌ترین ماجراجویی‌های سیاست خارجی خود شد؛ اما جهش قیمت سوخت و اختلال در بازار جهانی انرژی، تناقضی اساسی را در دکترین او آشکار کرده است؛ آمریکا می‌تواند بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی جهان باشد، بی‌آنکه بتواند مردمش را از تبعات جنگ مصون نگه دارد. زمانی که ترامپ به کاخ سفید بازگشت، «سلطه انرژی» را به یکی از ارکان اصلی سیاست اقتصادی و خارجی خود تبدیل کرد.

گشتی در اخبار

افزایش ۲۸ درصدی تأمین ارز دارو

رئیس کل بانک مرکزی، از افزایش ۲۸ درصدی تأمین ارز دارو در هفت ماه امسال خبر داد. عبدالناصر همتی با اشاره به تأکید رئیس‌جمهور بر تأمین ارز دارو، گفت: در هفت ماه گذشته از سال ۱۴۰۵، نزدیک به ۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار ارز برای دارو تأمین کرده‌ایم که این میزان در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۲۸ درصد افزایش داشته است.



وی با بیان اینکه شرایط امسال با سال گذشته تفاوت زیادی دارد، افزود: با وجود این تفاوت‌ها، میزان ارز تأمین‌شده برای دارو افزایش یافته است. رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به حمایت‌های ریالی از تولیدکنندگان دارو اظهار کرد: علاوه بر تأمین ارز، منابع ریالی قابل‌توجهی نیز به‌ویژه برای تولید دارو در اختیار تولیدکنندگان عمده این حوزه قرار داده‌ایم.

همتی با بیان اینکه در حال حاضر به نظر می‌رسد مشکل دارو بیشتر به مسئله لجستیک مربوط باشد، تأکید کرد: از نظر تأمین ارز و منابع ریالی، هیچ‌گونه محدودیتی در بانک مرکزی وجود نداشته است و تمام تلاش خود را به کار گرفته‌ایم تا دارو به‌وفور در اختیار مردم عزیز کشورمان قرار گیرد.

افزایش ۴۰ درصدی نرخ بلیت هواپیما صحت ندارد

سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری، اخبار منتشرشده در برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مبنی بر افزایش ۴۰ درصدی نرخ بلیت هواپیما را تکذیب و خواستار خودداری از اظهارات غیر کارشناسی شد.

مجید اخوان اظهار داشت: مسافران می‌توانند با مراجعه مستقیم به سامانه‌های فروش بلیت، نرخ پروازها را بررسی و اطلاعات مورد نیاز خود را از مراجع رسمی دریافت کنند.

سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری همچنین تأکید کرد: این سازمان ضمن نظارت مستمر بر بازار حمل‌ونقل هوایی، با هرگونه تخلف در فروش بلیت و افزایش غیرقانونی نرخ‌ها مطابق ضوابط برخورد خواهد کرد و در صورت احراز تخلف، اقدامات قانونی لازم را از طریق مراجع ذی‌صلاح پیگیری می‌کند.

اخوان در پایان از شهروندان خواست اخبار مرتبط را از طریق منابع رسمی سازمان هواپیمایی کشوری دنبال کنند و پیش از اطمینان از صحت اطلاعات، از بازنشر مطالب تأییدنشده خودداری کنند.

برگزاری حراج شمش طلا پنجم آبان

مرکز مبادله ایران روز سه‌شنبه ۵ آبان‌ماه، میزان یکصد و پنجاه و نهمین حراج شمش طلا خواهد بود.

واریز ۵۰ میلیارد ریال (۵ میلیارد تومان) وجه الضمان به ازای هر شمش، دارا بودن پروانه کسب معتبر و ثبت‌شده در درگاه ملی مجوزها، قابلیت استعلام شناسه یکتای پروانه کسب متقاضی خرید از درگاه ملی مجوزهای کشور و مطابقت با شیوه‌نامه شماره ۱۰ مرکز مبادله ایران از شروط شرکت در این جلسه حراجی است.

گروه‌های مجاز خرید شامل فروشندگان عمده شمش طلا، تولیدکنندگان مصنوعات طلا، خرده‌فروشان طلای آبشده و سکوها‌ی برخط طلای آب شده و مصنوعات طلا و جواهر هستند. خریداران حداکثر مجاز به خرید ۲۵ قطعه شمش طلا در طول یک هفته تقویمی هستند.

عرضه بنزین سوپر داخلی

در ۵۰ جایگاه سوخت کشور

مدیر بازرگانی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران از عرضه بنزین سوپر در ۵۰ جایگاه سوخت کشور خبر داد.

حمید حبیبی با اشاره به افزایش تقاضا برای بنزین سوپر و نیاز خودروهای وارداتی به این نوع سوخت اعلام کرد: پس از ارائه پیشنهادهای لازم به دولت و تصویب امکان تولید و عرضه داخلی بنزین سوپر، تولید این فرآورده در پالایشگاه ستاره خلیج فارس و پالایشگاه شازند آغاز شده است.

وی با بیان اینکه مجوز اخذ بنزین سوپر اکنون برای ۱۰۰ جایگاه در نقاط مختلف کشور گرفته شده که اکنون قرارداد ۵۰ جایگاه امضا شده است، اظهار کرد: برنامه‌ریزی شده است تعداد جایگاه‌های عرضه‌کننده در طول آبان افزایش یابد.

چرا بانک مرکزی در شرایط جنگ گفت‌وگو به الگوی حکمرانی متفاوتی نیاز دارد؟

بانک مرکزی در شرایط عادی وظایفی مانند ثبات قیمت‌ها، نظارت بر مؤسسات اعتباری، صیانت از سلامت نظام بانکی و مدیریت سیاست پولی را بر عهده دارد. در شرایط جنگ، این وظایف همچنان برقرار است، اما اهمیت استمرار فعالیت نظام بانکی و جلوگیری از انتقال شوک‌های شرایط بحران به بخش پولی و مالی افزایش پیدا می‌کند.

ممکن است یک بانک از نظر سرمایه و کیفیت دارایی‌ها وضعیت مناسبی داشته باشد، اما بر اثر اختلال در فعالیت شعب یا نگرانی سپرده‌گذاران با خروج منابع مواجه شود. در مقابل، بانکی دیگر ممکن است از سال‌ها قبل با ناترازی و زیان انباشته روبه‌رو بوده باشد. برخورد یکسان با این دو وضعیت، تصمیم درستی نیست.

بانک مرکزی باید میان مشکلات ناشی از بحران و ضعف‌های ساختاری بانک‌ها تمایز قائل شود و میزان مداخله، نحوه حمایت و شدت نظارت را با ماهیت و شدت بحران متناسب کند. البته انعطاف بیشتر در شرایط جنگ به معنای کنار گذاشتن انضباط پولی نیست؛ بلکه باید ابزارهای عملیاتی بیشتری برای مدیریت اختلالات فراهم شود، بدون آنکه خلق پول نامحدود یا حمایت غیرمشروط از بانک‌های ناسالم به رویه تبدیل شود.

نظام چهار رنگی حکمرانی پولی چگونه عمل می‌کند؟

در این چارچوب، وضعیت سبز بیانگر شرایط عادی است که در آن سیاست پولی متعارف، نظارت مستمر بر بانک‌ها و اصلاح ناترازی‌ها در اولویت قرار دارد. وضعیت زرد به شرایطی مربوط است که احتمال بروز بحران یا جنگ افزایش یافته و باید آمادگی نظام بانکی مورد بررسی و تقویت واقع شود. انجام آزمون‌های تنش، شناسایی بانک‌های آسیب‌پذیر و آماده‌سازی سازوکارهای حمایت اضطراری در این مرحله اهمیت دارد. در وضعیت نارنجی، اختلالات محدود یا درگیری‌هایی شکل گرفته که بر فعالیت اقتصادی اثر می‌گذارد. در این مرحله، بانک مرکزی باید نظارت را تشدید کند و در صورت نیاز، نقدینگی اضطراری را با شرایط مشخص در اختیار بانک‌های واجد شرایط قرار دهد.

وضعیت قرمز به جنگ یا بحران فراگیری اشاره دارد که بخش‌های گسترده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و زیرساخت‌های کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این سطح، استمرار خدمات بانکی و پرداخت، مدیریت مستمر بحران و حمایت هدفمند از بانک‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

البته باید میان وضعیت عمومی کشور و وضعیت عملیاتی نظام بانکی تفاوت قائل شد. ممکن است کشور در شرایط جنگی قرار داشته باشد، اما شبکه بانکی همچنان بایثبات عمل کند. از سوی دیگر، حتی در شرایط عادی نیز احتمال بروز بحران بانکی وجود دارد. بنابراین، تعیین سطح بحران باید علاوه بر ارزیابی وضعیت عمومی، بر شاخص‌های عینی پولی و مالی نیز استوار باشد.

حمایت اضطراری در شرایط بحران از بانک‌ها چگونه باید انجام شود؟

نخستین اقدام، تشخیص دقیق نوع مشکل بانکی است. باید میان کمبود نقدینگی، ضعف توانگری مالی و اختلال عملیاتی تفاوت قائل شد.

ممکن است بانک دارایی کافی داشته باشد، اما در کوتاه‌مدت منابع نقد لازم برای پاسخ‌گویی به برداشت سپرده‌گذاران را در اختیار نداشته باشد. در این حالت، تأمین نقدینگی اضطراری بانک مرکزی می‌تواند از گسترش بحران جلوگیری کند. اما اگر ارزش واقعی دارایی‌های بانک برای پوشش بدهی‌های آن کافی نباشد، تزریق منابع کوتاه‌مدت به‌تنهایی مشکل را حل نمی‌کند و اقدامات اصلاحی یا فرآیند قانونی گزیر باید بررسی شود.

همچنین ممکن است بانک از نظر مالی سالم باشد، اما به دلیل آسیب‌دیدن شعب یا اختلال سامانه‌ها نتواند خدمات معمول خود را ارائه کند. این وضعیت به برنامه تداوم فعالیت، زیرساخت‌های پشتیبان و بازگرداندن دسترسی مشتریان به خدمات بانکی نیاز دارد. بنابراین، حمایت اضطراری بانک مرکزی باید هدفمند، مشروط، همراه با وثیقه و محدود به دوره مشخص باشد. هدف این حمایت، جلوگیری از سرایت بحران و حفظ خدمات حیاتی بانکی است، نه تضمین سود سهامداران و یا احیاناً مصونیت مدیران متخلف.

چگونه می‌توان از تبدیل بحران بانکی به بحران تورمی جلوگیری کرد؟

در شرایط جنگ، دولت برای تأمین مخارج ضروری، بانک‌ها برای مدیریت خروج احتمالی سپرده‌ها و بنگاه‌ها و خانوارها برای تأمین نیازهای مالی خود به منابع بیشتری احتیاج دارند. اگر بانک مرکزی بدون چارچوب مشخص به تمام این تقاضاها پاسخ دهد، نتیجه می‌تواند افزایش پایه پولی، رشد نقدینگی، تشدید تورم و افزایش فشار بر بازار ارز باشد.

دانش جعفری: نخستین اصل، حفظ ثبات پولی و مالی است

پول‌پاشی در جنگ؛ ممنوع



بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز چه ابزارهایی دارد؟

مدیریت بازار ارز به رژیم ارزی، وضعیت منابع و میزان دسترسی عملیاتی به ذخایر بستگی دارد. اگر ذخایر قابل استفاده کافی باشد، مداخله هدفمند بانک مرکزی می‌تواند به کاهش نوسانات غیرعادی و مدیریت اختلالات بازار کمک کند. اما دفاع از نرخ نامتناسب با شرایط بنیادی اقتصاد به هر هزینه‌ای، ممکن است به کاهش ذخایر و گسترش بازار غیررسمی منجر شود.

هدف باید ایجاد ثبات پایدار در بازار ارز باشد، نه تثبیت یک عدد بدون توجه به شرایط اقتصادی. برای این منظور، سه دسته ابزار باید به‌صورت مکمل به کار گرفته شوند.

نخست، مدیریت تقاضای ریالی از طریق کنترل رشد نقدینگی و جلوگیری از تأمین مالی پولی کسری بودجه است. دوم، مدیریت عرضه ارز از طریق تسهیل بازگشت ارز صادراتی، بهبود دسترسی به منابع قابل استفاده و اولویت‌بندی واردات ضروری اهمیت دارد. سوم، مدیریت انتظارات از طریق انتشار اطلاعات معتبر، شفافیت مقررات ارزی و پرهیز از تغییرات مکرر و غیرقابل پیش‌بینی سیاست‌ها ضروری است.

مداخله ارزی زمانی اثربخش‌تر خواهد بود که در کنار سیاست پولی منسجم و مدیریت عرضه و تقاضا، قرار گیرد. اتکا به یک ابزار منفرد، به‌ویژه در شرایط نااطمینانی، نمی‌تواند تضمین‌کننده ثبات بازار ارز باشد.

استمرار خدمات بانکی و پرداخت چگونه تضمین می‌شود؟

استمرار نظام پرداخت یکی از خدمات حیاتی کشور است و باید حتی در شرایط بحران در اولویت قرار گیرد. دسترسی مردم به سپرده‌ها و امکان انجام تراکنش‌ها در حفظ اعتماد عمومی نقش تعیین‌کننده دارد.

بانک مرکزی باید وضعیت عملیاتی شبکه بانکی و سامانه‌های پرداخت را به‌صورت مستمر پایش کند. دسترسی‌پذیری سامانه‌های پرداخت، میزان تراکنش‌های ناموفق، وضعیت خودپردازها و عملکرد خدمات بانکی از جمله شاخص‌هایی هستند که در شرایط بحران اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند.

بانک‌ها نیز باید برنامه تداوم فعالیت و زیرساخت‌های پشتیبان را داشته باشند تا در صورت آسیب‌دیدن بخشی از شبکه، خدمات ضروری ادامه پیدا کند. شناسایی نقاط آسیب‌پذیر، آماده‌سازی مراکز جایگزین و تعریف مسیرهای ارتباطی پشتیبان باید پیش از وقوع بحران انجام شود.

در کنار اقدامات عملیاتی، اطلاع‌رسانی معتبر اهمیت زیادی دارد. اطلاعات نادرست یا تأخیر در اطلاع‌رسانی می‌تواند نگرانی سپرده‌گذاران را افزایش دهد. بانک مرکزی و شبکه بانکی باید درباره وضعیت خدمات، اقدامات انجام‌شده و مسیرهای جایگزین دسترسی مردم، اطلاعات دقیق و به‌موقع ارائه کنند.

بانک مرکزی در روزهای نخست بحران چه اقداماتی باید انجام دهد؟

برای مدیریت بحران باید از قبل سازوکار تصمیم‌گیری مشخصی طراحی شده باشد. هیأت عالی بانک مرکزی می‌تواند در مورد ثبات پولی و مالی، هماهنگی میان حوزه‌های سیاست پولی، نظارت بانکی، ثبات ارزی، نظام پرداخت را تقویت کند.

در ساعات نخست بحران، بررسی عملکرد نظام پرداخت و فعال‌سازی سازوکارهای مدیریت بحران در اولویت قرار دارد. سپس باید وضعیت نقدینگی بانک‌های حساس، میزان خروج سپرده‌ها و احتمال سرایت اختلال به سایر مؤسسات اعتباری بررسی

شود. هم‌زمان، آماده‌سازی حمایت اضطراری برای بانک‌های واجد شرایط و ارزیابی وضعیت بازار ارز ضرورت دارد.

بانک مرکزی همچنین باید داشبوردی از شاخص‌های کلیدی داشته باشد که نقدینگی بانک‌ها، خروج سپرده‌ها، کفایت سرمایه، عملکرد سامانه‌های پرداخت، رشد پایه پولی و وضعیت بازار ارز را پوشش دهد. آستانه‌های هشدار باید بر اساس داده‌های تاریخی و آزمون تنش تعیین شوند تا تصمیم‌گیری صرفاً بر مبنای برداشت‌های کلی انجام نشود.

مهم‌ترین اصول حکمرانی بانک مرکزی در جنگ چیست؟

نخستین اصل، حفظ ثبات پولی و مالی است. حمایت اضطراری در شرایط بحران نباید به خلق پول نامحدود تبدیل شود. اصل دوم، تفکیک کمبود نقدینگی از ناترازی و ضعف توانگری مالی بانک‌ها است؛ زیرا هر مشکل بانکی با تزریق منابع برطرف نمی‌شود.

اصل سوم، تمایز میان آسیب ناشی از شوک بیرونی و ضعف مدیریتی یا تخلف است. جنگ ممکن است به بانک سالم نیز آسیب بزند، اما شرایط اضطراری نباید به پوششی برای پنهان‌کردن زیان‌ها یا ادامه فعالیت‌های ناسالم تبدیل شود.

اصل چهارم، حمایت مشروط از بانک‌ها و حفظ دسترسی مردم به خدمات بانکی است. اصل پنجم، جلوگیری از تبدیل تأمین مالی دولت به عامل تشدید تورم

اصل ششم، هدایت اعتبارات به فعالیت‌های ضروری و جلوگیری از انحراف تسهیلات است.

همچنین، حفاظت از ذخایر ارزی و تناسب مداخله بانک مرکزی با منابع قابل استفاده اهمیت زیادی دارد. هرگونه مقررات ویژه یا حمایت اضطراری باید زمان‌بازبینی و معیار مشخصی برای خاتمه داشته باشد تا اقدامات موقت به رویه دائمی تبدیل نشوند.

چه اقداماتی باید پیش از بحران طراحی شود؟

نخست، باید دستورالعمل نقدینگی اضطراری تدوین شود تا مشخص باشد کدام بانک‌ها، تحت چه شرایطی، با چه نوع وثایقی و برای چه مدتی می‌توانند از حمایت بانک مرکزی استفاده کنند.

دوم، باید پروتکلی برای تشخیص کمبود نقدینگی، ناترازی و ضرورت ورود به فرآیند گزیر وجود داشته باشد. سوم، سامانه نظارت بر مصرف اعتبارات حمایتی باید تقویت شود تا امکان شناسایی انحراف تسهیلات فراهم شود.

چهارم، چارچوب انضباط تأمین مالی بودجه در شرایط جنگ باید با همکاری دولت، مجلس و بانک مرکزی طراحی شود. پنجم، چارچوب ثبات ارزی اضطراری باید نحوه اولویت‌بندی مصارف ارزی حیاتی، استفاده از ذخایر قابل دسترسی، مداخله در بازار و اطلاع‌رسانی درباره سیاست‌های ارزی را مشخص کند.

در کنار این موارد، شاخص‌های پایش، حدود اختیارات و معیارهای بازگشت از وضعیت اضطراری به شرایط عادی نیز باید از قبل تعریف شوند. اجرای این پیشنهادها مستلزم تطبیق با قوانین و مقررات بانکی کشور و اختیارات مراجع ذی‌صلاح است.

حکمرانی بانک مرکزی در شرایط جنگ باید بر یک تفکیک اساسی استوار باشد: انعطاف بیشتر برای حمایت از بانک‌های سالمی که بر اثر شوک‌های دوره بحران آسیب دیده‌اند و انضباط بیشتر در برابر خلق پول، تأمین مالی نامحدود کسری بودجه، حمایت غیرمشروط از بانک‌های ناسالم و انحراف تسهیلات. تحقق این رویکرد می‌تواند به استمرار خدمات بانکی، کنترل آثار پولی بحران و صیانت از قدرت خرید مردم کمک کند.

هزار واحد مسکن استیجاری، آماده تحویل



معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی گفت: هزار واحد مسکن استیجاری در کشور تکمیل و آماده تحویل است که پس از برگزاری فرایندهای لازم، در همین ماه جاری تحویل زوج‌های جوان خواهد شد.حبیب‌الله طاهرخانی اظهار کرد: حدود ۷۰ هزار واحد مسکن حمایتی به بالای ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی رسیده‌اند که از این تعداد، بیش از ۵۰ هزار واحد دارای شبکه هم هستند.طاهرخانی گفت: افتتاح‌های مسکن از این به بعد ماهانه باشد لذا آبان‌ماه افتتاحات گسترده‌ای در بخش مسکن حمایتی در سراسر کشور خواهیم داشت.وی تأکید کرد: تا پایان سال واحدهای با پیشرفت فیزیکی بالای ۹۰ درصد قطعاً تحویل خواهند شد؛ علاوه بر آن، بخشی از پروژه‌های مسکونی که بیش از ۸۰ درصد پیشرفت دارند، امسال تحویل متقاضیان خواهند شد.

واگذاری لوکوموتیوها به بخش خصوصی



دبیر انجمن مهندسی حمل‌ونقل ریلی گفت: واگذاری لوکوموتیوها به بخش خصوصی برای نخستین بار در تاریخ راه‌آهن انجام می‌شود و تعامل با بخش خصوصی، پیشران توسعه حمل‌ونقل ریلی کشور است. سید ابوالفضل بهره‌دار، با بیان اینکه واگذاری لوکوموتیوها به بخش خصوصی یکی از سرفصل‌های اساسی است که طی چند ماه گذشته دنبال شده است، گفت: این اقدام برای نخستین بار در تاریخ راه‌آهن انجام می‌شود و لوکوموتیوها به بخش خصوصی واگذار می‌شوند. وی افزود: تعامل با بخش خصوصی به‌عنوان پیشران فعالیت‌های اقتصادی، از نکات بسیار مهمی است که نیازمند توجه است. بهره‌دار گفت: با وجود تمامی موانعی که دشمنان ایجاد کرده‌اند، راه‌آهن همچنان فعال است. یکی از ضرورت‌های اصلی امروز، موضوع لجستیک، پیوند آن با حمل‌ونقل و تأثیرگذاری این ارتباط بر فرایندهای بعدی است.

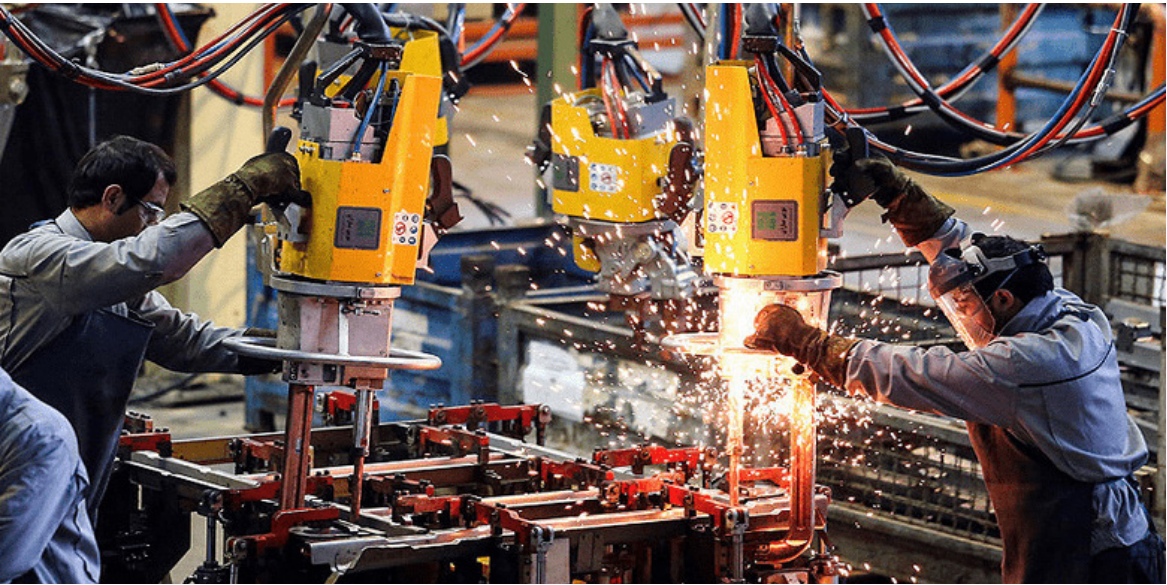
فروش وزنی نان به‌زودی



رئیس اتاق اصناف ایران از نهایی‌شدن طرح فروش وزنی نان خبر داد و اعلام کرد: این طرح با هدف شفاف‌سازی عرضه و مقابله با کم‌فروشی، تا اوایل آبان ابلاغ و آزمایشی اجرا می‌شود.قاسم نوده فراهانی، رئیس اتاق اصناف ایران، به تشریح جزئیات طرح جدید فروش وزنی نان و ابعاد مختلف تخلفات این حوزه پرداخت و با اشاره به پیشنهادهای مکرر بخش خصوصی برای آزادسازی قیمت آرد و نان و پرداخت یارانه مستقیم به دهک‌ها مشابه کالابرگ، قیمت‌های نجومی برخی نان‌های خاص (مانند سنگک‌های چندده‌هزار تومانی با اقلام اضافه) را مصداق بی‌انصافی دانست. وی تصریح کرد: چونه خمیر نان سنگک ۶۰۰ گرم است که پس از پخت باید بین ۳۸۰ تا ۴۰۰ گرم نان تحویل مشتری شود؛ اما اختلاف در وزن تحویلی و عدم رعایت استانداردها، گلایه شهروندان و نمایندگان مجلس را به دنبال داشته است.

انرژی در بهار ۱۴۰۵ زیر ذره‌بین؛

سهم ۳۷ درصدی صنعت از مصرف برق کشور



بررسی وضعیت انرژی ایران در بهار ۱۴۰۵ نشان می‌دهد بخش صنعت با سهم ۳۷ درصدی،

بزرگ‌ترین مصرف‌کننده برق کشور است و بخش خانگی با ۳۲ درصد در رتبه بعدی قرار دارد؛ ترکیبی که ضرورت مدیریت تقاضا، پایداری تولید و تأمین مطمئن انرژی برای بخش‌های اقتصادی را برجسته می‌کند.

بررسی وضعیت تولید و مصرف انرژی کشور، به‌ویژه در حوزه برق و گاز طبیعی، اهمیت مدیریت هم‌زمان عرضه و تقاضا را نشان می‌دهد. توزیع مصرف برق میان بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد صنعت و خانوارها در مجموع سهم عمده‌ای از برق مصرفی کشور را به خود اختصاص داده‌اند؛ موضوعی که برنامه‌ریزی برای تأمین پایدار انرژی را به یکی از محورهای مهم سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل می‌کند.

بازیگران اصلی صنعت برق؛ صنعت و خانوار

بر اساس آمار ارائه‌شده توسط مرکز آمار ایران، بخش صنعت با سهم ۳۷ درصدی، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده برق کشور در بهار ۱۴۰۵ بوده و پس از آن بخش خانگی نیز با سهم ۳۲ درصدی در جایگاه دوم قرار دارد. پس از این دو بخش، کشاورزی با ۱۳ درصد، سایر مصارف با ۹ درصد، بخش عمومی با ۸ درصد و روشنایی معابر با یک درصد از مصرف برق کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

این ترکیب نشان می‌دهد که بخش صنعت و خانوارها در مجموع ۶۹ درصد از فروش داخلی برق را به خود اختصاص داده‌اند. از این منظر، هرگونه اختلال در تأمین برق یا افزایش محدودیت‌های مصرف می‌تواند پیامدهای قابل‌توجهی برای فعالیت‌های اقتصادی و زندگی روزمره خانوارها داشته باشد.

در بخش صنعت، دسترسی پایدار به برق یکی از پیش‌شرط‌های تداوم تولید، حفظ ظرفیت عملیاتی بنگاه‌ها و جلوگیری از اختلال در زنجیره تأمین است. در مقابل، بخش خانگی نیز به‌ویژه در دوره‌های اوج مصرف، نقش مهمی در تعیین میزان تقاضای شبکه دارد. بنابراین، مدیریت مصرف برق بدون توجه هم‌زمان به نیازهای تولیدی و مصرفی امکان‌پذیر نخواهد بود.

توزیع مصرف؛ ضرورت مدیریت هدفمند تقاضا

سهم ۱۳ درصدی بخش کشاورزی از مصرف برق نیز نشان می‌دهد تأمین انرژی این بخش برای تداوم فعالیت‌های مرتبط با تولید محصولات کشاورزی اهمیت دارد. در کنار آن، مصرف برق در بخش عمومی، سایر مصارف و روشنایی معابر، هرچند سهم کمتری از مجموع مصرف دارند، بخشی از نیازهای خدماتی و زیرساختی کشور را تشکیل می‌دهند.

ازاین‌رو، سیاست‌های مدیریت مصرف باید متناسب با

انرژی

بهار ۱۴۰۵ نشان می‌دهد بخش صنعت با سهم ۳۷ درصدی،

بزرگ‌ترین مصرف‌کننده برق کشور است و بخش خانگی با ۳۲ درصد در رتبه بعدی قرار دارد؛ ترکیبی که ضرورت مدیریت تقاضا، پایداری تولید و تأمین مطمئن انرژی برای بخش‌های اقتصادی را برجسته می‌کند.

بررسی وضعیت تولید و مصرف انرژی کشور، به‌ویژه در حوزه برق و گاز طبیعی، اهمیت مدیریت هم‌زمان عرضه و تقاضا را نشان می‌دهد. توزیع مصرف برق میان بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی نشان می‌دهد صنعت و خانوارها در مجموع سهم عمده‌ای از برق مصرفی کشور را به خود اختصاص داده‌اند؛ موضوعی که برنامه‌ریزی برای تأمین پایدار انرژی را به یکی از محورهای مهم سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل می‌کند.

بازیگران اصلی صنعت برق؛ صنعت و خانوار

بر اساس آمار ارائه‌شده توسط مرکز آمار ایران، بخش صنعت با سهم ۳۷ درصدی، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده برق کشور در بهار ۱۴۰۵ بوده و پس از آن بخش خانگی نیز با سهم ۳۲ درصدی در جایگاه دوم قرار دارد. پس از این دو بخش، کشاورزی با ۱۳ درصد، سایر مصارف با ۹ درصد، بخش عمومی با ۸ درصد و روشنایی معابر با یک درصد از مصرف برق کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

این ترکیب نشان می‌دهد که بخش صنعت و خانوارها در مجموع ۶۹ درصد از فروش داخلی برق را به خود اختصاص داده‌اند. از این منظر، هرگونه اختلال در تأمین برق یا افزایش محدودیت‌های مصرف می‌تواند پیامدهای قابل‌توجهی برای فعالیت‌های اقتصادی و زندگی روزمره خانوارها داشته باشد.

در بخش صنعت، دسترسی پایدار به برق یکی از پیش‌شرط‌های تداوم تولید، حفظ ظرفیت عملیاتی بنگاه‌ها و جلوگیری از اختلال در زنجیره تأمین است. در مقابل، بخش خانگی نیز به‌ویژه در دوره‌های اوج مصرف، نقش مهمی در تعیین میزان تقاضای شبکه دارد. بنابراین، مدیریت مصرف برق بدون توجه هم‌زمان به نیازهای تولیدی و مصرفی امکان‌پذیر نخواهد بود.

توزیع مصرف؛ ضرورت مدیریت هدفمند تقاضا

سهم ۱۳ درصدی بخش کشاورزی از مصرف برق نیز نشان می‌دهد تأمین انرژی این بخش برای تداوم فعالیت‌های مرتبط با تولید محصولات کشاورزی اهمیت دارد. در کنار آن، مصرف برق در بخش عمومی، سایر مصارف و روشنایی معابر، هرچند سهم کمتری از مجموع مصرف دارند، بخشی از نیازهای خدماتی و زیرساختی کشور را تشکیل می‌دهند.

ازاین‌رو، سیاست‌های مدیریت مصرف باید متناسب با

انرژی در کشور است.

بر اساس آمار ارائه‌شده، تولید سالانه برق کشور در سال‌های اخیر از ۳۸۵ هزار میلیون کیلووات‌ساعت فراتر رفته است. با این حال، برای ارزیابی دقیق وضعیت بهار ۱۴۰۵ باید آمار تولید در همین دوره، سهم هر گروه نیروگاهی و تغییرات آن در مقایسه با دوره‌های مشابه بررسی شود. رقم تولید سالانه به‌تنهایی نمی‌تواند تصویر کاملی از وضعیت تولید برق در یک فصل ارائه دهد.

گاز طبیعی؛ حلقه اتصال برق و صنعت

گاز طبیعی یکی از حامل‌های اصلی انرژی در ایران است و در تأمین سوخت نیروگاه‌ها، فعالیت صنایع و مصارف خانگی نقش دارد. به همین دلیل، بررسی وضعیت انرژی کشور بدون توجه به تعادل میان تولید، مصرف داخلی و صادرات گاز کامل نخواهد بود. افزایش تقاضای گاز در بخش‌های مختلف، به‌ویژه در دوره‌های اوج مصرف، ضرورت برنامه‌ریزی برای تخصیص بهینه این حامل انرژی را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، مدیریت مصرف، ارتقای بهره‌وری و توسعه زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و انتقال می‌توانند در بهبود پایداری عرضه نقش داشته باشند.

از سوی دیگر، ارتباط میان گاز و برق نشان می‌دهد که چالش‌های هر یک از این دو بخش می‌تواند بر دیگری اثر بگذارد. محدودیت در تأمین سوخت نیروگاه‌ها ممکن است تولید برق را تحت تأثیر قرار دهد و افزایش تقاضای برق نیز نیاز به تولید بیشتر و تأمین مطمئن‌تر سوخت را افزایش دهد. این وابستگی، ضرورت تدوین سیاست‌های هماهنگ در دو بخش را برجسته می‌کند.

ویژگی‌های هر بخش طراحی شوند. در بخش صنعت، افزایش بهره‌وری تجهیزات و بهینه‌سازی فرایندهای تولید می‌تواند به کاهش شدت مصرف انرژی کمک کند. در بخش خانگی نیز بهبود بهره‌وری وسایل برقی و مدیریت مصرف در ساعات اوج تقاضا، از جمله اقداماتی است که می‌تواند فشار بر شبکه را کاهش دهد. با این حال، کاهش مصرف به‌تنهایی پاسخ‌گوی همه چالش‌های صنعت برق نیست. پایداری شبکه به ظرفیت تولید، وضعیت نیروگاه‌ها، زیرساخت‌های انتقال و توزیع و همچنین امکان تأمین سوخت موردنیاز نیروگاه‌های حرارتی وابسته است. به همین دلیل، مدیریت تقاضا باید در کنار توسعه ظرفیت تولید و بهبود زیرساخت‌ها دنبال شود.

تولید برق؛ وابستگی به ترکیب نیروگاه‌ها و تأمین سوخت

در بخش تولید برق، نیروگاه‌های حرارتی، شامل نیروگاه‌های گازی، بخاری و چرخه ترکیبی، در کنار نیروگاه‌های آبی، دیزلی، بادی و اتمی اشاره دارد. این تنوع، بیانگر نقش مجموعه‌ای از فناوری‌ها در تأمین برق کشور است؛ هرچند سهم هر فناوری و میزان تولید آن باید بر اساس آمار تفصیلی گزارش بررسی شود.

در این میان، نیروگاه‌های حرارتی به دلیل وابستگی به سوخت، با مسئله تأمین پایدار حامل‌های انرژی ارتباط مستقیم دارند. هرگونه ناهماهنگی میان عرضه گاز طبیعی، نیاز بخش خانگی و مصرف نیروگاه‌ها می‌تواند برنامه‌ریزی برای تولید برق را با دشواری مواجه کند. ازاین‌رو، هماهنگی میان بخش‌های برق و گاز یکی از الزامات اصلی مدیریت

امنیت انرژی؛ فراتر از افزایش ظرفیت تولید

آمار و ارقام مربوط به توزیع مصرف برق و ساختار تولید انرژی نشان می‌دهد که امنیت انرژی تنها با افزایش ظرفیت نیروگاهی محقق نمی‌شود. پایداری تأمین، بهره‌وری مصرف، تنوع‌بخشی به منابع تولید و هماهنگی میان زیرساخت‌های برق و گاز نیز در این زمینه اهمیت دارند.

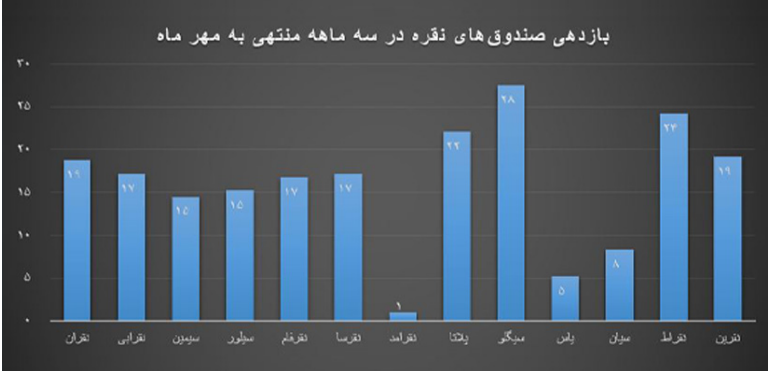
در این چارچوب، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند به متنوع‌تر شدن ترکیب تولید برق کمک کند. بااین‌حال، ارزیابی نقش این منابع باید با توجه به میزان تولید واقعی، ظرفیت نصب‌شده، شرایط بهره‌برداری و نیازهای شبکه انجام شود. همچنین، ارتقای راندمان نیروگاه‌ها و کاهش تلفات شبکه می‌تواند از مسیر افزایش بهره‌وری، به استفاده مؤثرتر از منابع موجود کمک کند.

لزوم مدیریت هم‌زمان عرضه و تقاضا

بررسی بخش انرژی در گزارش فصلی اقتصاد ایران – بهار ۱۴۰۵ نشان می‌دهد صنعت و بخش خانگی، با سهم‌های ۳۷ و ۳۲ درصدی، دو گروه اصلی مصرف‌کننده برق کشور هستند. در کنار این ساختار مصرف، وابستگی بخشی از تولید برق به گاز طبیعی، اهمیت هماهنگی میان بخش‌های مختلف انرژی را افزایش می‌دهد.

بر این اساس، سیاست‌گذاری مؤثر در حوزه انرژی مستلزم توجه هم‌زمان به توسعه ظرفیت تولید، تأمین پایدار سوخت، مدیریت تقاضا و ارتقای بهره‌وری است. چنین رویکردی می‌تواند زمینه استفاده کارآمدتر از منابع انرژی و کاهش آسیب‌پذیری بخش‌های اقتصادی در برابر اختلال‌های احتمالی در عرضه را فراهم کند.

بازدهی صندوق‌های طلا و نقره تا پایان مهرماه



بازدهی ۳۸.۷۹ درصدی کمترین بازدهی را در میان صندوق‌های طلای فهرست‌شده ثبت کرده است.

با توجه به این ارقام، بازدهی صندوق‌های طلای بررسی‌شده بین ۳۸.۷ تا ۴۳.۶ درصد متغیر بوده است. اختلاف میان بیشترین و کمترین بازدهی این گروه در مقایسه با اختلاف بازدهی صندوق‌های نقره، محدودتر به نظر می‌رسد. البته این صرفاً بازدهی سه ماهه صندوق‌های طلا است و ممکن است این اعداد در بازدهی یکسال متفاوت شوند.

پلاتا نیز با بازدهی ۲۲.۱ درصدی رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. در مقابل، نقرآمد کمترین بازدهی را داشته و سپس صندوق یاس با بازدهی ۵.۱ درصدی، در رتبه یکی مانده به آخر قرار گرفته است. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد فاصله بازدهی سینگلو با یاس به ۲۲.۳ درصد رسیده است. همچنین بازدهی سینگلو بیش از پنج برابر بازدهی ثبت‌شده برای صندوق یاس بوده است. این اختلاف بیانگر آن است که حتی در میان صندوق‌هایی که دارایی پایه مشابهی دارند، عملکرد سرمایه‌گذاری در یک بازه زمانی مشخص می‌تواند متفاوت باشد. با این حال، برای ارزیابی دقیق‌تر این تفاوت، باید عواملی مانند ترکیب دارایی‌ها، نقدشوندگی و فاصله قیمت معاملاتی با خالص ارزش دارایی‌ها نیز بررسی شود.

بازدهی بیش از ۴۰ درصدی برای صندوق‌های طلا

در گروه صندوق‌های طلا، بازدهی ثبت‌شده در سه‌ماهه منتهی به مهرماه بالاتر از ارقام گزارش‌شده برای صندوق‌های نقره بوده است. بر اساس داده‌های ارائه‌شده، صندوق میراث با بازدهی ۴۳.۶ درصدی در رتبه نخست قرار دارد. صندوق امرالند با بازدهی ۴۳.۵ درصدی در جایگاه دوم ایستاد. صندوق گلدبا

عملکرد سه‌ماهه صندوق‌های طلا و نقره تا مهرماه از پیش‌تازای صندوق‌های طلا بر نقره حکایت دارد؛ میراث با بازدهی ۴۳.۶ درصدی در صدر صندوق‌های طلا ایستاد و سینگلو با بازدهی ۲۷.۶ درصدی، برترین صندوق نقره شد.

صندوق‌های سرمایه‌گذاری طلا و نقره از ابزارهای بازار سرمایه هستند که امکان سرمایه‌گذاری در فلزات گرانبها را بدون نیاز به خرید و نگهداری فیزیکی آن‌ها فراهم می‌کنند. بررسی عملکرد این صندوق‌ها در سه‌ماهه منتهی به مهرماه نشان می‌دهد که با وجود فعالیت در یک بازار مشترک، میزان بازدهی آن‌ها تفاوت قابل‌توجهی داشته است؛ موضوعی که اهمیت مقایسه عملکرد صندوق‌ها را برای سرمایه‌گذاران دوچندان می‌کند.

سینگلو در صدر بازدهی صندوق‌های نقره

بررسی بازدهی صندوق‌های نقره در این دوره نشان می‌دهد که صندوق سینگلو با ثبت بازدهی ۲۷.۶ درصدی، بهترین عملکرد را در میان صندوق‌های بررسی‌شده داشته است. صندوق نفراط با بازدهی ۲۴.۲ درصد در جایگاه دوم قرار گرفته و صندوق

گفت‌وگو

اولویت ارز در خدمت تولید و معیشت

رئیس انجمن قطعه‌سازان خودرو کشور با تأکید بر ضرورت اولویت‌بندی مصارف ارزی در شرایط محدودیت منابع و فشارهای ناشی از جنگ، گفت: ارز کشور باید به تأمین کالاهای ضروری و حمایت از تولید اختصاص یابد، نه واردات خودروهای غیرضروری که عمدتاً پاسخگوی نیاز گروهی خاص از جامعه است.

محمدرضا نجفی‌منش، با بیان اینکه در حال حاضر برای تصمیمات اقتصادی و مدیریت کشور باید شرایط را به‌صورت عمومی ببینیم، نه فقط منافع یک گروه خاص، اظهار کرد: اینکه برخی منتقد محدودیت واردات خودرو شده‌اند، بدون آنکه شرایط کنونی کشور و ضرورت مصارف ارزی را در نظر بگیرند، با اولویت‌های ارزی کشور سازگار نیست.

وی با اشاره به ضرورت توجه به منافع ملی تأکید کرد: در شرایط کنونی اقتصاد و با توجه به فشارهای ناشی از جنگ، باید منابع ارزی کشور به کالاهای ضروری و موردنیاز اختصاص یابد، نه واردات کالاهای غیرضروری مانند خودرو؛ حتی اگر این واردات با ارز شخصی انجام شود.

نجفی‌منش با تأکید بر ضرورت هدایت منابع ارزی و ربالی به سمت تولید و تأمین نیازهای ضروری مردم گفت: رونق تولید به ایجاد ثروت و اشتغال کمک می‌کند و از این‌رو، سیاست‌گذاری باید به‌گونه‌ای باشد که همه بخش‌ها را در بر بگیرد و در خدمت تولید قرار گیرد.

به گفته رئیس کمیسیون بهبود محیط کسب‌وکار و رفع موانع تولید اتاق بازرگانی تهران، باید سیاستی وجود داشته باشد که تولید را به حرکت درآورد؛ زیرا با رونق تولید، هم ثروت ایجاد خواهد شد، هم نیاز مردم تأمین می‌شود و هم اشتغال شکل می‌گیرد.

وی ادامه داد: نباید تولید را فدای منافع زودگذر عده‌ای خاص کنیم. واردات کالا با چند برابر قیمت، در شرایطی که کشور با وضعیت حساسی روبه‌روست، به هیچ‌وجه منطقی نیست.

رئیس انجمن قطعه‌سازان خودرو کشور با اشاره به قیمت‌های بسیار بالای خودروهای خارجی اظهار کرد: خودروهای خارجی خاص شاید حتی یک درصد از نیاز بازار را هم تأمین نکنند. این خودروها بازار محدودی دارند و افزایش یا کاهش شدید قیمت آنها تأثیر چندانی بر اقتصاد و زندگی عموم مردم نمی‌گذارد. در عین حال، باید نظارت کافی بر بازار وجود داشته باشد تا قیمت‌ها بدون مبنای منطقی و به‌صورت بی‌رویه افزایش نیابد. نجفی‌منش تأکید کرد: اینکه قیمت بنز یا بی‌امو به ۲۰، ۱۰ یا حتی بیشتر برسد، نباید به مسئله اصلی اقتصاد تبدیل شود؛ زیرا این خودروها سهم کوچکی از بازار و مشتریان خاص خود را دارند. افزایش قیمت آنها لزوماً به عموم مردم لطمه نمی‌زند. در مقابل، باید تمام تلاش خود را به کار بگیریم تا خودروهای مورد استفاده طبقه متوسط با قیمت‌هایی عرضه شوند که امکان خرید آنها برای مردم وجود داشته باشد.

وی ادامه داد: حتی اگر مردم توان خرید نقدی خودرو را نداشته باشند، نظام بانکی و شرکت‌های لیزینگ می‌توانند با فراهم کردن امکان خرید اقساطی به آنها کمک کنند؛ همان‌طور که در بسیاری از کشورهای دنیا، خودرو و خانه از محل درآمدهای آینده و به‌صورت اقساطی خریداری می‌شوند، نه صرفاً از محل پس‌انداز. برای مثال، در کشوری مانند سوئیس، بازپرداخت وام مسکن ممکن است تا ۴۰ سال طول بکشد. سیاست کلی باید این باشد که مردم امکان خانه‌دار و خودرودار شدن داشته باشند.

رئیس انجمن قطعه‌سازان خودرو کشور با اشاره به مجوز واردات خودرو برای ایرانیان مقیم خارج از کشور تأکید کرد: برخی با استفاده از کارت اقامت ایرانیان خارج از کشور تلاش می‌کنند ارز را از بازار تهران جمع‌آوری و صرف واردات خودرو کنند. این موضوع می‌تواند بر بازار ارز فشار وارد کند و یکی از عوامل افزایش نرخ ارز باشد؛ البته همواره این احتمال وجود دارد که افراد از تصمیمات اتخاذشده سوءاستفاده کنند.

عربستان در سراسیابی؛ سال سخت بن سلمان سخت تر شد

بازنده قمار با ترامپ؛ غایب روزهای بحران



آزمون استقلال راهبردی بن سلمان

آینده برنامه تحول اقتصادی عربستان به مجموعه‌ای از عوامل وابسته است: بازگشت ثبات منطقه‌ای، توان دولت برای تأمین مالی پروژه‌ها، روند درآمد‌های نفتی و احیای اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی. با این حال، تداوم بحران نشان می‌دهد که تحقق اهداف اقتصادی بن‌سلمان تا چه اندازه به شرایط امنیتی خارج از کنترل مستقیم ریاض وابسته است. ولیعهد عربستان اکنون با پرسشی فراتر از سرنوشت یک اجلاس یا حتی جنگ یمن مواجه است: آیا می‌تواند قدرت اقتصادی و سیاسی کشورش را به سطحی برساند که امنیت و توسعه آن کمتر به تصمیم‌های پیش‌بینی‌ناپذیر متحدان خارجی وابسته باشد؟ تعویق «داووس در صحرا» پاسخ نهایی این پرسش را روشن نمی‌کند، اما تناقض راهبرد بن‌سلمان را برجسته می‌سازد. عربستان برای تبدیل شدن به قطبی جهانی به ثبات، سرمایه و اعتماد نیاز دارد؛ در حالی که تشدید تنش‌های منطقه‌ای و اتکای امنیتی به واشنگتن، دستیابی به همین پیش‌شرط‌ها را دشوار کرده است. چالش اصلی ولیعهد، نه فقط عبور از بحران کنونی، بلکه بازنگری در الگویی است که در آن جاه‌طلبی اقتصادی با وابستگی امنیتی همراه شده است.

اصلاحات بدون استقلال امنیتی

بن‌سلمان طی سال‌های گذشته تغییرات اجتماعی قابل توجهی را پیش برده است؛ از گسترش امکان مشارکت اقتصادی زنان تا توسعه سرگرمی، کنسرت‌ها و سینماها. این تحولات، چهره عمومی عربستان را تغییر داده و بخشی از موانع پیشین در مسیر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را کاهش داده‌اند. با این حال، نوسازی اجتماعی الزاماً به معنای رفع وابستگی‌های ساختاری کشور نیست.

اقتصاد عربستان همچنان به درآمد‌های نفتی وابسته است، ارتش این کشور برای مواجهه مستقل با همه سناریوهای یک جنگ منطقه‌ای گسترده با محدودیت‌هایی روبه‌روست و سیاست خارجی ریاض همچنان به همکاری امنیتی با آمریکا تکیه دارد. از این رو، توسعه زیرساخت‌ها و اصلاحات اجتماعی، بدون تقویت بنیان‌های اقتصادی و امنیتی، نمی‌تواند آسیب‌پذیری کشور در برابر شوک‌های خارجی را به‌طور کامل برطرف کند.

تلاش برای گسترش همکاری‌های دفاعی با کشورهایی مانند پاکستان و ترکیه را می‌توان بخشی از کوشش عربستان برای تنوع‌بخشی به روابط امنیتی دانست. با این حال، ایجاد ظرفیت‌های دفاعی مستقل و شکل دادن به ترتیبات امنیتی پایدار، فرایندی زمان‌بر است و به همکاری‌های عملیاتی، فناوری، آموزش و سرمایه‌گذاری مستمر نیاز دارد.

در داخل کشور نیز باید میان افزایش فشار بر سیاست‌های ولیعهد و تهدید واقعی برای بقای حکومت تفاوت گذاشت. نبود نظرسنجی‌های عمومی قابل اتکا، ارزیابی دقیق نگرش جامعه سعودی را دشوار می‌کند. گزارش‌هایی درباره کاهش حضور عمومی بن‌سلمان از ۱۰ اکتبر نیز به گمانه‌زنی‌هایی درباره مدیریت بحران دامن زده است؛ با این حال، برخی دیپلمات‌های مستقر در ریاض نگرانی‌ها درباره تهدید وجودی علیه حکومت را اغراق‌آمیز می‌دانند. بنابراین، بحران کنونی را نمی‌توان به‌تنهایی نشانه فروپاشی قدرت ولیعهد دانست.

سرمایه‌گذاران برای ورود به پروژه‌های بلندمدت، علاوه بر مشوق‌های مالی، به اطمینان از امنیت دارایی‌ها و استمرار فعالیت اقتصادی نیاز دارند؛ عواملی که در شرایط جنگی به‌سادگی قابل تضمین نیستند.

هزینه اعتماد به ترامپ

یکی از پایه‌های راهبرد بن‌سلمان، نزدیک شدن به دونالد ترامپ و تقویت روابط اقتصادی و سیاسی با واشنگتن بود. ریاض با وعده سرمایه‌گذاری‌های کلان در آمریکا و گسترش روابط تجاری، می‌توانست انتظار داشته باشد که این پیوندها به افزایش نفوذ عربستان بر تصمیم‌های کاخ سفید کمک کند. با این حال، تحولات منطقه‌ای نشان داده‌اند که روابط نزدیک با رئیس‌جمهوری آمریکا لزوماً به معنای توانایی کنترل تصمیم‌های امنیتی او نیست.

چنان‌که گزارش اکونومیست نیز به محدودیت محاسبات ریاض اشاره می‌کند، سرمایه‌گذاری اقتصادی و نزدیکی به حلقه قدرت در واشنگتن، تضمینی برای هم‌سویی منافع دو کشور فراهم نمی‌کند. تصمیم‌های دولت آمریکا ممکن است بر اساس اولویت‌های داخلی و محاسبات امنیتی خود این کشور اتخاذ شوند، حتی اگر پیامدهای آنها برای متحدان منطقه‌ای واشنگتن پرهزینه باشد.

این مسئله برای بن‌سلمان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا امنیت عربستان و چشم‌انداز اقتصادی آن تا حد زیادی از تحولات منطقه‌ای تأثیر می‌پذیرد.

اگر ادامه جنگ، سرمایه‌گذاری خارجی و پروژه‌های توسعه‌ای را مختل کند، ریاض ناچار خواهد بود هزینه تصمیم‌هایی را تحمل کند که در شکل‌گیری آنها نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته است. در نتیجه، مسئله اصلی صرفاً میزان نزدیکی عربستان به آمریکا نیست، بلکه حدود اتکای این کشور به متحدی است که اولویت‌های مستقل خود را دنبال می‌کند. رابطه با واشنگتن همچنان برای امنیت عربستان اهمیت دارد، اما تجربه بحران کنونی نشان می‌دهد که این رابطه به‌تنهایی نمی‌تواند جایگزین تنوع‌بخشی به شرکای امنیتی و افزایش توان دفاعی مستقل شود.

روایای اقتصادی زیر فشار جنگ

برنامه تحول اقتصادی عربستان، با هدف کاهش وابستگی به نفت و تبدیل کشور به قطبی برای سرمایه‌گذاری، گردشگری، فناوری و خدمات مالی، حتی پیش از تشدید بحران امنیتی نیز با موانعی روبه‌رو بود. فشار بر منابع مالی دولت، بازنگری در برخی پروژه‌های بزرگ و فاصله سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با اهداف تعیین‌شده، نشان می‌داد که اجرای این برنامه به منابع و شرایطی فراتر از اعلام پروژه‌های بلندپروازانه نیاز دارد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سالانه نیز به حدود یک‌سوم هدف ۱۰۰ میلیارد دلاری مورد نظر ولیعهد رسیده بود. این فاصله نشان می‌دهد جذب سرمایه خارجی، برخلاف اعلام برنامه‌ها و ایجاد زیرساخت‌ها، به اعتماد سرمایه‌گذاران، پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی و ثبات سیاسی وابسته است.

بر اساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، چشم‌انداز رشد اقتصاد عربستان در سال ۲۰۲۶ از رشد چهاردرصدی به انقباض ۲/۳ درصدی تغییر کرده است. تحقق چنین سناریویی می‌تواند فشار بر بودجه عمومی و تأمین مالی پروژه‌های توسعه‌ای را افزایش دهد. در صورت تداوم درگیری‌ها، هزینه‌های نظامی نیز بیشتر خواهد شد؛ هم‌زمان، نگرانی‌های امنیتی ممکن است گردشگری، برگزاری رویدادهای بین‌المللی و ورود سرمایه‌گذاران را محدود کند.

تناقض اصلی در راهبرد اقتصادی بن‌سلمان همین‌جاست. عربستان می‌خواهد وابستگی خود به نفت را کاهش دهد، اما اجرای این تحول همچنان به درآمد‌های نفتی، توان مالی دولت و ثبات منطقه‌ای وابسته است. در اقتصادی که بخش مهمی از پروژه‌های تحول آن به تأمین مالی عمومی متکی است، افزایش هزینه‌های امنیتی می‌تواند منابع مورد نیاز برای توسعه را محدود کند.

از این منظر، تعویق اجلاس FII تنها یک رویداد ناموفق نیست؛ بلکه نشانه‌ای از دشواری تحقق هدف تبدیل ریاض به مرکز امن و قابل اتکای تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی است.

نشریه اکونومیست در تحلیلی

از وضعیت عربستان سعودی و سال سخت محمد بن سلمان، ولیعهد بلندپرواز این کشور روایت می‌کند و می‌نویسد: ریاض قرار بود در روزهای پایانی اکتبر، میزبان یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌های اقتصادی جهان باشد؛ فرصتی برای محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، تا تصویری از ثبات، قدرت و جاه‌طلبی اقتصادی کشورش به نمایش بگذارد. اجلاس «ابتکار سرمایه‌گذاری آینده» که به «داووس در صحرا» شهرت دارد، قرار بود از ۲۶ اکتبر آغاز شود و سران کشورها، مدیران ارشد مالی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی را به پایتخت عربستان یکشاند. اما تشدید بحران امنیتی، این ویتترین اقتصادی را به حاشیه راند.

هفته‌ها حملات موشکی و پهپادی، نگرانی‌ها درباره امنیت پایتخت را افزایش داده و محدودیت‌های پروازی و هشدارهای سفر، حضور شرکت‌کنندگان خارجی را با تردید روبه‌رو کرده است. مدیران شرکت‌ها نیز نگران بودند محل برگزاری اجلاس و هتل‌های میزبان هدف حمله قرار گیرند. سرانجام، برگزارکنندگان در ۱۹ اکتبر تصمیم گرفتند این رویداد را تا سال آینده به تعویق بیندازند؛ تصمیمی که فراتر از لغو یک گردهمایی تجاری، آسیب‌پذیری تصویر اقتصادی عربستان را به نمایش گذاشت.

این اتفاق در شرایطی رخ می‌دهد که بن‌سلمان با مجموعه‌ای از بحران‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک مواجه است؛ بحران‌هایی که ریشه بخشی از آنها را باید در محاسبات راهبردی یک دهه گذشته او جست‌وجو کرد. ولیعهد برای تبدیل عربستان به قدرتی منطقه‌ای و اقتصادی، روی سه محور حساب کرده بود؛ مهار حوثی‌ها در یمن، اجرای برنامه‌ای گسترده برای تحول اقتصادی و حفظ حمایت دونالد ترامپ. اکنون هر سه محور با محدودیت‌هایی جدی روبه‌رو شده‌اند.

بن‌بست در جبهه یمن

عربستان پس از سال‌ها مداخله نظامی نتوانست حوثی‌ها را شکست دهد و در نهایت، آتش‌بس سال ۲۰۲۲ را راهی برای مهار تهدیدهای امنیتی و کاهش هزینه‌های جنگ در نظر گرفت. با این حال، تشدید تنش‌های منطقه‌ای و گسترش جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، بار دیگر خطر گسترش درگیری‌ها را افزایش داده است. در چنین فضایی، امید ریاض به تثبیت آرامش در مرزهای جنوبی با چالش مواجه شده است.

گزینه‌های عربستان همچنان پرهزینه‌اند. ورود نیروهای زمینی به جنگی گسترده می‌تواند تلفات انسانی و هزینه‌های نظامی را افزایش دهد؛ ادامه حملات هوایی نیز تضمینی برای دستیابی به نتیجه مطلوب فراهم نمی‌کند. در مقابل، توافق محوقیت سیاسی و سرزمینی حوثی‌ها را تثبیت کند، ممکن است به‌عنوان عقب‌نشینی راهبردی ریاض تعبیر شود.

این بن‌بست، محدودیت قدرت نظامی عربستان را آشکار می‌کند. افزایش هزینه‌های دفاعی و گسترش روابط امنیتی، لزوماً به معنای توانایی تحمیل نتیجه سیاسی در یک منازعه پیچیده نیست. برای بن‌سلمان، مسئله تنها پایان دادن به جنگ یمن نیست؛ بلکه جلوگیری از آن است که ناامنی منطقه‌ای، برنامه‌های بلندمدت اقتصادی و جایگاه بین‌المللی کشورش را تحت فشار قرار دهد.

آمریکا

دونالد ترامپ با این تصور که وفور نفت و گاز آمریکا می‌تواند هزینه‌های اقتصادی جنگ با

ایران را مهار کند، وارد یکی از پرهزینه‌ترین ماجراجویی‌های سیاست خارجی خود شد؛ اما جهش قیمت سوخت و اختلال در بازار جهانی انرژی، تناقضی اساسی را در دکتترین او آشکار کرده است؛ آمریکا می‌تواند بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی جهان باشد، بی‌آنکه بتواند مردمش را از تبعات جنگ مصون نگه دارد.

به گزارش رویترز، زمانی که ترامپ در سال ۲۰۲۵ به کاخ سفید بازگشت، «سلطه انرژی» را به یکی از ارکان اصلی سیاست اقتصادی و خارجی خود تبدیل کرد. وعده او روشن بود؛ تولید بیشتر نفت و گاز، قدرت چانه‌زنی بالاتر در جهان، تورم کمتر و انرژی ارزان‌تر برای آمریکایی‌ها. اما جنگ با ایران نشان داد که فاصله میان قدرت تولید و کنترل بازار، بسیار بیشتر از آن چیزی است که کاخ سفید تصور می‌کرد. آمریکا با تولید روزانه نزدیک ۱۴ میلیون بشکه نفت خام و جایگاه برتر در صادرات گاز طبیعی مایع‌شده، از مزیت قابل‌توجهی در بازار جهانی برخوردار است. ترامپ تلاش کرد این برتری را به اهرمی برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی، فشار در مذاکرات تجاری و گسترش نفوذ واشنگتن تبدیل

خبر

چالش جدید اقتصاد آلمان

بر اساس داده‌های مقدماتی شاخص مدیران خرید (PMI) مؤسسه اس‌اند‌پی گلوبال، شاخص ترکیبی فعالیت اقتصادی آلمان از ۵۳.۸ واحد در ماه سپتامبر به ۵۲.۸ واحد در اکتبر رسید. این رقم پایین‌تر از پیش‌بینی تحلیلگران برای ثبت سطح ۵۳.۴ واحد بود؛ با این حال، قرار گرفتن شاخص بالاتر از مرز ۵۰ واحد نشان می‌دهد فعالیت اقتصادی همچنان در مسیر رشد قرار دارد. بر اساس گزارش رویترز، شاخص بخش تولید نیز برخلاف روند کلی اقتصاد افزایش یافت و از ۴۹.۵ واحد در سپتامبر به ۵۴.۲ واحد رسید. در مقابل، شاخص فعالیت بخش خدمات از ۵۲.۹ به ۵۱.۷ واحد کاهش یافت.

بر اساس ارزیابی اس‌اند‌پی گلوبال، افزایش هزینه‌ها و تداوم تورم، همراه با ناطمینانی اقتصادی و احتیاط مشتریان، از عوامل محدودکننده تقاضا در بخش خدمات بوده‌اند. در بخش تولید، رشد صادرات و افزایش هزینه‌کرد دولت در حوزه زیرساخت و دفاع به بهبود شرایط کسب‌وکار کمک کرده است. دولت آلمان پیش‌تر پیش‌بینی رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۲۶ را به ۱.۳ درصد افزایش داده بود، اما داده‌های تازه نشان می‌دهد مسیر احیای اقتصادی این کشور همچنان با چالش‌هایی همراه است.

معمای واردات خودرو

ارز شخصی یا هزینه ملی؟

ادامه یادداشت افزایش تعرفه و نرخ ارز مبنای محاسبات گمرکی می‌تواند هزینه‌های قانونی واردات را افزایش دهد و بخشی از این افزایش نیز به قیمت نهایی خودرو منتقل شود. با این حال، میزان اثرگذاری به نوع خودرو، ارزش گمرکی، تعرفه مربوط و سایر هزینه‌ها بستگی دارد و باید به‌صورت دقیق محاسبه شود. همچنین، افزایش نرخ ارز محاسباتی گمرک با افزایش نرخ تعرفه دو سیاست متفاوت است و آثار آنها باید جداگانه و در

کنار یکدیگر ارزیابی شود.

اگر هدف سیاست‌گذار مدیریت منابع ارزی است، باید روشن کند که تغییرات تعرفه‌ای و گمرکی چگونه به این هدف کمک می‌کنند و آیا منافع احتمالی آنها از هزینه‌هایی که بر مصرف‌کننده تحمیل می‌شود بیشتر است یا خیر؟ افزایش تعرفه ممکن است با کاهش تقاضا برای خودروهای وارداتی، مصرف ارز را محدود کند؛ اما میزان این اثر به واکنش تقاضا به افزایش قیمت بستگی دارد. اگر تقاضا نسبت به قیمت کم‌کشش باشد، ممکن است قیمت خودرو افزایش یابد، بی‌آنکه حجم واردات به میزان قابل‌توجهی کاهش پیدا کند. بنابراین، صرف افزایش درآمد دولت یا گران‌تر شدن واردات، به‌خودی‌خود اثبات نمی‌کند که سیاست اتخاذشده از نظر اقتصادی بهینه است.

از سوی دیگر، نباید منافع احتمالی واردات را نیز نادیده گرفت. افزایش عرضه، تقویت رقابت، کاهش انحصار و گسترش حق انتخاب مردم، از جمله منافع هستند که در ارزیابی این سیاست باید مورد توجه قرار گیرند. البته میزان تحقق این منافع نیز به حجم واردات، استمرار آن و توانایی واردات در ایجاد رقابت مؤثر در بازار خودرو بستگی دارد.

معیار درست چیست؟

بحث بر سر انتخاب ساده میان واردات و ممنوعیت نیست؛ مسئله، تعیین شرایطی است که در آن منافع واردات با محدودیت‌های ارزی کشور و توان خرید مردم سازگار باشد. برای رسیدن به چنین تصمیمی، باید چهار موضوع به‌طور هم‌زمان بررسی شوند: منشأ تأمین ارز، هزینه فرصت منابع، درآمد دولت از محل حقوق ورودی و مالیات، و آثار نهایی واردات بر بازار ارز، قیمت خودرو و رقابت در بازار. در این ارزیابی، باید میان هزینه‌ای که واردات ممکن است بر عرضه ارز قابل‌دسترس کشور تحمیل کند و هزینه فرصت استفاده از منابع ارزی تمایز قائل شد. همچنین، حقوق مالکیت اشخاص بر ارز خود و حق انتخاب آنها در استفاده از منابع خصوصی، در کنار ضرورت مدیریت محدودیت‌های ارزی کشور، باید مورد توجه قرار گیرد. محدود کردن استفاده از منابع خصوصی نیز، به‌ویژه زمانی که مستلزم مداخله در تصمیم‌های اقتصادی افراد است، باید بر مبنای شواهد روشن و با توجه به هزینه‌ها و منافع آن توجیه شود.

در نهایت، پرسش این نیست که ارز واردات متعلق به چه کسی است؛ پرسش این است که این ارز از کجا آمده، چه استفاده دیگری می‌توانسته داشته باشد و واردات در مجموع چه هزینه و منفعتی برای اقتصاد کشور ایجاد می‌کند؟

تا زمانی که پاسخ مستند به این پرسش‌ها ارائه نشده، نه می‌توان واردات را از اشخاص فاقد هزینه ارزی دانست و نه می‌توان افزایش تعرفه‌ها را صرفاً با استناد به ضرورت مدیریت منابع توجیه کرد. آنچه ضرورت دارد، ارزیابی شفاف و هم‌زمان منافع مصرف‌کننده، درآمد دولت، حقوق مالکیت و هزینه فرصت منابع ارزی است؛ زیرا در اقتصاد، شخصی بودن مالکیت ارز به معنای نبود هزینه – فرصت برای استفاده از آن نیست، همان‌طور که وجود هزینه – فرصت نیز به‌تنهایی دلیلی برای محدود کردن این استفاده محسوب نمی‌شود.



منابع تأمین، کاهش وابستگی به مسیرهای دریایی آسیب‌پذیر و تسریع سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر سوق دهد؛ روندی که در بلندمدت می‌تواند بخشی از مزیت راهبردی سوخت‌های فسیلی را تحت فشار قرار دهد. ترامپ می‌خواست وفور انرژی را به نماد قدرت آمریکا و ابزاری برای پیشبرد اهداف جهانی خود تبدیل کند؛ اما جنگی که با تصمیم او و همراهی اسرائیل علیه ایران آغاز شد، نشان داد که حتی بزرگ‌ترین تولیدکننده انرژی جهان نیز نمی‌تواند از تبعات اقتصادی درگیری نظامی گسترده علیه ایران در امان بماند.

محدودیت صادرات متوسل شد؛ تلاش‌هایی که خود نشان می‌دهند وعده کنترل قیمت‌ها تا چه اندازه با محدودیت‌های بازار روبه‌روست. اکنون مسئله فقط گران‌شدن سوخت نیست؛ بلکه اعتبار وعده‌ای است که قرار بود سلطه انرژی را به رفاه اقتصادی و امنیت ملی پیوند دهد. افزایش هزینه زندگی، آن هم در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر، می‌تواند به یکی از نقاط فشار سیاسی بر دولت تبدیل شود. در سطح جهانی نیز این جنگ ممکن است کشورهای واردکننده انرژی را به تنوع‌بخشی